

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۱۱

فصل ۲: ۱۴ - ۳۰

آیه حفظی برای ۴ ماه آپریل سال ۲۰۲۴

رومیان ۱۱: ۳۳

۳۳ چه عظیم است عمق دولت‌مندی و حکمت و علم خدا! چقدر دور از اندازه گیری است احکام او و فوق از کاوش است طریق‌های وی!

آیه حفظی برای ۱۱ ماه آپریل سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، دانیال ۲: ۲۰

۲۰ و دانیال متکلم شده، گفت: «اسم خدا تا ابدلاباد متبارک باد زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است.»

**قرائت کلام:** لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمانید، و فصل ۲: ۱۴ - ۳۰ را

بخوانید.

۱۴ آنگاه دانیال با حکمت و عقل به آریوک رئیس جلادان پادشاه که برای کشتن حکیمان بابل بیرون

می‌رفت، سخن گفت.

۱۵ و آریوک سردار پادشاه را خطاب کرده، گفت: «چرا فرمان از حضور پادشاه چنین سخت است؟»

آنگاه آریوک دانیال را از کیفیت امر مطلع ساخت.

۱۶ و دانیال داخل شده، از پادشاه درخواست نمود که مهلت به وی داده شود تا تعبیر را برای پادشاه

اعلام نماید.

۱۷ پس دانیال به خانه خود رفته، رفقای خویش حَنّیا و میشائیل و عَزْرَیا را از این امر اطلاع داد،

۱۸ تا درباره این راز از خدای آسمانها رحمت بطلبند مبادا که دانیال و رفقاییش با سایر حکیمان بابل

هلاک شوند.

- ۱۹ آنگاه آن راز به دانیال در رویای شب کشف شد. پس دانیال خدای آسمانها را متبارک خواند.
- ۲۰ و دانیال متکلم شده، گفت: «اسم خدا تا ابدلاباد متبارک باد زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است.
- ۲۱ و او وقتها و زمانها را تبدیل می‌کند. پادشاهان را معزول می‌نماید و پادشاهان را نصب می‌کند. حکمت را به حکیمان می‌بخشد و فطانت پیشه‌گان را تعلیم می‌دهد.
- ۲۲ اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می‌نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می‌باشد و نور نزد وی ساکن است.
- ۲۳ ای خدای پدران من تو را شکر می‌گویم و تسبیح می‌خوانم زیرا که حکمت و توانایی را به من عطا فرمودی و الان آنچه را که از تو درخواست کرده‌ایم، به من اعلام نمودی، چونکه ما را از مقصود پادشاه اطلاع دادی.»
- ۲۴ و از این جهت دانیال نزد آریوک که پادشاه او را به جهت هلاک ساختن حکمای بابل مأمور کرده بود رفت، و به وی رسیده، چنین گفت که «حکمای بابل را هلاک مساز. مرا به حضور پادشاه ببر و تعبیر را برای پادشاه بیان خواهم نمود.»
- ۲۵ آنگاه آریوک دانیال را بزودی به حضور پادشاه رسانید و وی را چنین گفت که «شخصی را از اسیران یهودا یافته‌ام که تعبیر را برای پادشاه بیان تواند نمود.»
- ۲۶ پادشاه دانیال را که به بَلْطَشَصَّرَ مَسَمَى بود خطاب کرده، گفت: «آیا تو می‌توانی خوابی را که دیده‌ام و تعبیرش را برای من بیان نمایی؟»
- ۲۷ دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت: «رازی را که پادشاه می‌طلبید، نه حکیمان و نه جادوگران و نه مجوسیان و نه منجمان می‌توانند آن را برای پادشاه حل کنند.
- ۲۸ لیکن خدایی در آسمان هست که کاشف اسرار می‌باشد و او نَبُوکَدَنْصَرَّ پادشاه را از آنچه در ایام آخر واقع خواهد شد اعلام نموده است. خواب تو و رویای سرت که در بستر ت دیده‌ای این است:
- ۲۹ ای پادشاه فکرهای تو بر بستر ت درباره آنچه بعد از این واقع خواهد شد به خاطر آمد و کاشف الاسرار، تو را از آنچه واقع خواهد شد مخبر ساخته است.

۳۰ و اما این راز بر من از حکمتی که من بیشتر از سایر زندگان دارم مکتشف نشده است، بلکه تا

تعبیر بر پادشاه معلوم شود و فکرهای خاطر خود را بدانی.

**دعا:** دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

**مقدمه و مرور:** فصل دوم کتاب دانیال نبی در مورد ظهور و سقوط امپراطوری های بزرگ جهان به ما تعلیم می دهد. یک فصل دقیق نبوتی است یعنی آینده را از زمان دانیال به دقت پیشگویی می کند با کاربردهای فراوان برای ما در زمان حال. در کتاب دانیال می توانیم تمام تاریخ بشر را تا برقراری پادشاهی عیسی مسیح بر جهان بخوانیم. در دانیال فصل دوم ما جامع ترین تصویر پیشگویی از تاریخ بشر را در عهد عتیق پیدا می کنیم.

فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیه اول را می شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیه ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می بیند که جزئیاتش را فراموش می کند. می شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می بینیم.

حالا، اینجا مشکلی وجود داشت. غیر از اینکه خود نبوکد نصر جزئیات خوابش را فراموش کرده بود، در ضمن نبوکد نصر به حرفها و تعبیر های متخصصینش هم اعتماد کامل نداشت. چون آنها بلد بودند هر خوابی را به یک صورت کلی تعبیر کنند که به هر شرایطی بخورد و کسی نتواند مچشان را بگیرد که تعبیر شما اشتباه بوده است. و این قبلا برای نبوکد نصر پیش آمده بود. پس برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش چالشی سخت در مقابلشان می گذارد.

نبوکد نصر می گوید: هم باید خواب را به من بگوئید و هم تعبیرش را. و گرنه می فهمم که می خواهید به من دروغ بگوئید و همه تان را می کشم.

**مطالعه امروز:** دیدیم که حکیمان دربار نبوکد نصر مجبور می شوند که به عجز خود در انجام فرمان نبوکدنصر اعتراف کنند و بگویند که فقط یک موجود ماوراء طبیعی می تواند جزئیات یک خواب فراموش شده کس دیگری را بیان کند و تعبیر درستش را هم بگوئید. و این اعتراف به عجز حکیمان دربار، صحنه را برای آمدن دانیال دقیقا بر طبق نقشه خدا آماده می سازد. دانیال آن مرد منتخب خدا بود که ماموریت داشت حقیقت در مورد آینده را در این مقطع بحرانی آشکار سازد.

یک سری صفات شخصیت هستند، که یک فرد را در دورانهای بحرانی برای خدا مفید می سازند. بسیاری در شرایط آرام برای خدا مفید هستند. ولی وقتی بحرانی پیش می آید، آنانی حقیقتا به خداوند

وفادار هستند، از کسانی که فقط لب مرز ایستاده اند، جدا می شوند. دانیال می بایستی با یک پادشاه خشمگین که می خواست تمامی حکیمان دربارش، منجمله خود دانیال را به قتل برساند روبرو بشود. بگذارید ببینیم چگونه با این بحران روبرو می شود.

**اول- با یک روحیه آرام. آیه ۱۴: آنگاه دانیال با حکمت و عقل به آریوک رئیس جلادان پادشاه که برای کشتن حکیمان بابل بیرون می رفت، سخن گفت.**

در این آیه می توان دید که دانیال آرام و خویشتندار است، اگر چه جانش در خطر بود. دستپاچه و سراسیمه نبود چون بر خدا اعتماد داشت. می دانست آینده اش در تحت اراده مطلق خداست. دقت کنید! افرادی که به بحرانهای در زندگی اینگونه پاسخ می دهند، از قبل از آمدن بحرانهای آماده شده اند. الان باید ریشه های ایمان خود را در کتاب مقدس عمیق فرو برد تا قبل از آمدن بحرانهای برای آنها آماده باشیم.

آیه ۱۴ می فرماید که دانیال با حکمت و عقل به ریس جلادان پادشاه که آمده بود تا دانیال را از حکم پادشاه آگاه ساخته و او را دستگیر نماید، صحبت می کند. با حکمت و عقل!! چقدر ما در برخورد با بحرانهای با حکمت و عقل رفتار می نمایم؟

دقت کنید! باز هم می توانیم حاکمیت مطلق خدا را که همه چیز را بر طبق اراده خودش هدایت می کند در این آیه ببینیم. دقت کنید! چه کسی نزد دانیال آمد؟ ریس جلادان! جلادهای دیگر رفته بودند سراغ دیگر حکیمان دربار ولی برای دانیال ریس جلادان می آید. اهمیت این موضوع چیست؟ این است که از طریق ریس جلادان، دانیال می توانست پیغامش را به پادشاه برساند و بحضور او بیاید.

**دوم- با یک سنوآل حکیمانه. آیه ۱۵: و آریوک سردار پادشاه را خطاب کرده، گفت: «چرا فرمان از حضور پادشاه چنین سخت است؟» آنگاه آریوک دانیال را از کیفیت امر مطلع ساخت.**

ببینید، دانیال این توانایی را داشت که در وسط بحران دیگران را آرام کند. اول خودمان باید از پدر آسمانی آرامش بگیریم با اعتماد کردن کامل بر او و کلامش. و بعد این آرامش را در زمان بحرانهای به دیگران منتقل کنیم. دانیال آرامش کامل داشت، از هیچ چیزی ترسی نداشت، چون می دانست زندگی اش در دستان خداست. بدین علت خویشتندار بود. با حکمت از ریس جلادان سنوآلی می کند، نه با دستپاچگی و ترس و یا بی ادبی. و بدین علت آریوک ریس جلادان برای لحظه ای آرام می شود و شروع می کند به توضیح دادن هر آنچه رخ داده به دانیال.

باید روحیه خویشتنداری را با بودن در کلام و دعا، و بودن در تحت تعلیم درست کلام خدا در کلیسای خدا، در خود پرورش داد. بدون روحیه خویشتنداری شما نمی توانید خداوند را بطرز موثر خدمت کنید چون در کار خدمت کلیسای خدا شما با یک بحران بعد از بحران دیگری پی در پی روبرو خواهید شد.

**سوم- با شجاعت. آیه ۱۶: و دانیال داخل شده، از پادشاه درخواست نمود که مهلت به وی داده شود تا تعبیر را برای پادشاه اعلام نماید.**

اریوک ریس جلادان بجای کشتن دانیال، ترتیبی می دهد که دانیال به حضور پادشاه بیاید. مسلما این درخواست دانیال بود. و خدا در اریوک عمل می کرد تا دانیال را بحضور پادشاه ببرد. و مسلما اریوک تحت تاثیر واکنش آرام و خویشتندار و با حکمت دانیال قرار گرفته بود. و اگر چه دانیال یک کارآموز جوان بود، ولی با شجاعت از پادشاه خشمگین درخواست می کند که به او وقت دهد تا خواب پادشاه و تعبیر آنرا به پادشاه بگوید. و این بخاطر غرور و تکبر دانیال نبود. بلکه دانیال مطمئن بود که خداوند چنین برکت را داده بود همانطور که در ۱۷: ۱ می خوانیم.

حکیمان دربار همین درخواست را برای وقت بیشتر از پادشاه کرده بودند ولی پادشاه به آنها وقت اضافه نداد. چرا اینجا به درخواست دانیال جواب مثبت داد؟ شاید نبود نصر بیاد آورد که بار اول که دانیال و دوستانش را امتحان نمود، آنها ده برابر از حکیم ترین حکیمان دربار او بهتر بودند (۱: ۲۰). ولی در ضمن، شاید نبود نصر تحت تاثیر شجاعت دانیال هم قرار گرفته بود. چون کار آسانی نیست که شما نزد یک پادشاه خشمگین بیایید و با اطمینان به او بگوئید که می توانید هم خواب او و هم تعبیر درستش را به او بگوئید. چنین شجاعتی از اطمینان بر خداوند می آید. دانیال از روبرو شدن با خطرات ترسی نداشت. در کار خدمت کلیسای خدا هم باید شجاع بود و هم حاضر باشیم با خطرات روبرو شویم.

اگر شما خویشتنداری و شجاعت را ندارید، نمی توانید از بحرانهای زندگی پیروز بگذرید. ولی شما می توانید شجاع و خویشتندار باشید وقتی که می دانید بر روی حقیقت کلام مکتوب خدا ایستاده اید.